



## درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده عدم ولایت بر غیر

تاریخ: ۲۲ آبان ۱۴۰۱

موضوع جزئی: نسبت سایر ولایات با اصل عدم ولایت بر غیر - ادامه بحث در حکومت چهار اصل

مصادف با: ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۱۱

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

## ادامه بحث در حکومت چهار اصل

بحث در اصول چهارگانه یا احکام چهارگانه عقلیه مورد ادعای بعضی از بزرگان در مقابل اصل عدم ولایت بود. این احکام و اصول چهارگانه عقلیه را توضیح دادیم و چند سؤال پیرامون آن مطرح شد.

اولاً: آیا این احکام چهارگانه از مدرکات عقلی محسوب می‌شوند یا نه؟ اینها حکم عقلی هستند یا عقلانی یا هر دو؟  
ثانیاً: آیا این اصول بر به اصل عدم ولایت بر غیر حاکم‌اند یا نه؟ قهراً هر یک از این پاسخ‌ها تأثیر می‌گذارد در نحوه ورود به بحث؛ اگر ما گفتیم اصل عدم ولایت محکوم آن اصول چهارگانه است قهراً راه تخصیص و استثنا نسبت به بعضی از ولایات معنا ندارد؛ اگر گفتیم محکوم نیست راه دیگری باید طی کنیم.

قرار بود دوستان اظهار نظر بفرمایند.

.... -

استاد: مأذونین درست نیست، در مورد بقیه هم به یک معنا مأذون هستند؛ .... مرشد صادق هم مثل آن است، بالاخره آن دو تا چه؟ ... تعظیم منعم مثل اطاعت الوالدین. ... شما می‌خواهید بفرمایید از این اصول فقط اصل اول حاکم است؟ یعنی آن حکم عقلی که اقتضا می‌کند خداوند مالک در تصرفات تکوینی و تشریحی انسان باشد. .... عنوان این است: اصل عدم ولایة احد علی احد .... اینکه خداوند تبارک و تعالی از دایره احد علی احد خارج است، تقریباً این خیلی بحثی ندارد؛ شاید این استثنا که در ذیل این اصل در بعضی از تعبیرات می‌آورند «الاصل عدم الولاية الا لله تعالی» یعنی اصلاً این جزء مفاد اصل است به یک معنا. این را کنار بگذاریم؛ بعضی از تعبیر خیلی روشن این را بیان کرده که عدم ولایة احد علی احد و این احد مسلّم شامل خدا نیست؛ موضوع انسان است. یا برخی گفته‌اند الاصل عدم الولاية للغير الا الله تبارک و تعالی؛ اصلاً این جزء قاعده است. یعنی می‌خواهند بگویند این جزء مسأله عدم ولایت نیست.

..... -

استاد: اولی یعنی وجوب اطاعة الله مسلّم حاکم است؛ اصلاً حکومت مطلقه هم دارد؛ ایشان می‌گویند ما اولی را قبول داریم.

..... -

استاد: ایشان ادعا کرده العقل يحکم بحسن الاحسان، شما باید در این مقدمات اشکال کنید؛ عقل حکم می‌کند به حسن احسان. العقل يحکم بان الارشاد احسان؛ العقل يحکم بوجوب اطاعة المرشد الصادق؛ می‌خواهد وجوب اطاعت از مرشد صادق را نتیجه

بگیرد کسی که مرشد محسن باشد، عقل می‌گوید يجب اطاعته، شما این را چطور رد می‌کنید؟ ... شما اصلاً بگویید یک عنوان عارضی است؛ آیا العقل يحکم بحسن الاحسان غلط است؟ آیا عقل احسان را نیکو نمی‌شمارد؟ ... بحث بعدیت نیست؛ ادعا این است که این هم حکم عقل است و آن هم حکم عقل است؛ منتهی یک حکم عقلی حاکم بر حکم عقلی دیگر است، یا یک حکم عقلی حاکم بر آن امر فطری است. اینجا آیا این حکم عقلی وجوب اطاعة المرشد الصادق المحسن، حاکم بر عدم سلطه دیگری نیست؟ می‌گوید اگر مرشد صادق باشد، اگر شما یقین داشته باشید به خیرخواهی و احسان او، چرا ولایت نداشته باشد؟ ... اصلاً همه اینها فرع این است؛ اگر اصل اولی و اصل ثانوی گفتیم، اینها همه فرع این است که این حکومت داشته باشد یا نه. ... اصل اولی به معنای عکس این است؛ اصل اولی یعنی تقدم این اصل، مبدأ بودن آن. .... استتنا و تخصیص است یا نه؟ ....

.... -

استاد: دقیقاً می‌خواهیم بدانیم؛ چون مرشد صادق هم شبیه ماست .... یعنی انسان مثلنا، یک انسانی مثل ما؛ غیر از خداوند همه مثل ما هستند؛ اگر از حاکم و مرشد و منعم و والدین بحث می‌کنیم، اینها چه چیزی دارند؟ به چه دلیل می‌گوییم ولایت اینها مقدم می‌شود بر عدم ولایت؟ ممکن است به نظر شما برسد که چه دلیلی دارد راجع به این مطلب گفتگو شود، این در حقیقت یک زاویه‌ای برای ورود به بحث ولایات دیگر است و بسیار تعیین کننده است؛ بعداً این را توضیح خواهم داد، الان می‌خواهیم ببینیم آقایان چه تصویری در این زمینه دارند. باز هم راهنمایی می‌کنم که هر پنج تا حکم عقل است؛ ما فعلاً سراغ دلیل دیگری نمی‌رویم. می‌خواهیم نسبت آن حکم عقلی که هیچ انسانی بر انسان دیگر ولایت ندارد و این احکام عقلیه چه نسبتی است؟ الان شما بفرمایید مشخصاً آیا این احکام عقلی را حاکم می‌دانید بر عدم ولایت که مدعای بعضی الاعلام است یا نه؟ ....

..... -

استاد: هیچ کدام از این چهارتا حکومت ندارند؟ اصلاً آیا تعبیر حکومت درست است؟ .... مقدمه سومی که ایشان گفتند وجوب اطاعة المرشد الصادق است، می‌گوید عقل حکم می‌کند به وجوب اطاعت مرشد صادق و ما علم داریم به اینکه صادقانه دارد احسان می‌کند. شما این را قبول ندارید؟ مگر ولایت غیر از این است؟ ولایت یعنی قدرت بر تصرف و شما هم باید اطاعت کنید؛ بالاخره آیا عقل این را می‌گوید یا نه؟ ... وجوب اطاعت مرشد صادق حکم عقل هست یا نه؟ ...

..... -

استاد: آن تقریری که ایشان گفت برای کسی که ذاق حلاوة المعرفة ...، شما این را دارید می‌گویید؛ این درست است. اما چه آن و چه این چهار تقریر متفاوت، اینها حاکم بر اصل عدم ولایت هستند یا نه؟ ... شما بفرمایید نسبت اینها چیست؟ ... ایجابی هم هست؛ چون می‌گوید مرشد صادق ولایت دارد، حاکم ولایت دارد، والدین ولایت دارند؛ ... اگر آن هم نباشد تازه محدوده حاکمیت اصل اول را معلوم می‌کند؛ بالاخره شما می‌گویید حکومت دارد یا نه؟ ... خروج چه چیزی اینجا تخصصی است؟ ...

.... -

استاد: معنای ولایت را قبلاً گفتیم؛ به معنای تسلط، سلطنت، قدرت تصرف در کلیه شئون مؤلفی علیه. .... گفتیم اماره است و حکم عقل است؛ این را هم فرض بگیرید که هر پنج تا حکم عقل است. .... یعنی می‌گویید در دومی این حکومت نیست؟ .... در مورد

و جوب تعظیم مرشد صادق یا اطاعت مرشد صادق. در مورد شکر منعم چطور؟ .... شما می‌گویید وجوب اطاعة الوالدین هم حکم عقل است؟ چون ادعا این است که اگر شرع نمی‌گفت، عقل می‌گفت یجب اطاعتها. ....

.... -

استاد: بالاخره اصل ولایت هست یا نه؟ یعنی تفاوت این حکم با آن حکم را در چه می‌دانید؟ عدم ولایت احد علی احد مطلق است؛ من این گفتگوها را می‌کنم برای این است که زوایای تاریک یا مورد نظر این مسأله روشن شود. عدم ولایت احد علی احد یعنی به طور مطلق دارد ولایت یکی را بر دیگری نفی می‌کند؛ شما می‌گویید این حکم عقلی مربوط به محدوده خاصی است. .... بالاخره در همان جهتی که می‌گویید ولایتش مقدم است یا نه؟ او می‌گوید ولایت ندارد و این می‌گوید فو قش در این جهت خاص ولایت دارد؛ در همین جهت و قلمرویی که اثبات می‌کند، آیا مقدم است یا نه؟ .... ارشاد را ممکن است بگوییم که دارد می‌گوید این چاه و این راه است؛ اما بقیه امور چطور؟ منعم که جهت خاصی ندارد، می‌گوید نعمتی به شما داده و شما باید از او اطاعت کنید.

.... -

استاد: بالاخره مقدم بر این است یا نه؟ .... شما چطور اطاعت را با وجوب شکر منعم ثابت می‌کنید؟ .... آقایان وجوب اطاعت را هم ثابت می‌کنند؛ اصلاً می‌گویند یکی از دلایل وجوب اطاعت، این است که شکر منعم واجب است. شکر منعم شاهیت خیلی از امور است؛ شما در آن کبری اشکال دارید؟ .... ایشان می‌گویند ارشاد یک احسان است؛ .... آیا ارشاد، احسان محسوب می‌شود یا نه؟ خود احسان حسن است یا نه؟ این هم مسلم است. می‌گوید اطاعة المرشد المحسن واجب، اطاعت مرشد محسن واجب است؛ یعنی کسی که به شما می‌گوید اگر از این راه بروی، داخل چاه می‌افتی؛ اطاعت او واجب است یا نه؟ .... به عنوان مثال به شما بگویند که اگر پایتان از در بیرون بگذارید، تک تیرانداز شما را می‌زند؛ آیا وقتی چنین راهنمایی به شما ارائه شود، عقل شما نمی‌گوید یجب العمل علی وفقه؟ ... شما می‌گویید اطاعت هم واجب نیست؛ این دو تا مسأله است، یک وقت می‌گوییم اطاعت واجب نیست، یک وقت می‌گوییم با اینکه اطاعت واجب است، اما این ولایت نیست. اینجا اطاعت واجب است یا نه؟ اطاعت یعنی عقل به من می‌گوید به این حرف ترتیب اثر بده؛ ترتیب اثر دادن هم یعنی اینکه من این درب خارج نشوم. .... وجوب اطاعت دارد یا نه؟ ... شما چند چیز را با هم مخلوط می‌کنید؛ اول گفتید اطاعت واجب نیست ... هر کدام از اینها بار جداگانه دارد. اطاعت واجب است یا نه؟ اینکه اطاعت واجب نیست، اینکه مسأله ولایت ملازم با این مسأله نیست، این بحث دیگری است. .... اطاعت یعنی ترتیب اثر دادن. .... عقل می‌گوید اطاعت واجب است یا نه؟ عقل می‌گوید باید ترتیب اثر داد. ....

.... -

استاد: شما با وجوب ارشاد کار ندارید؛ .... ما کار نداریم برای او واجب است یا نه؛ می‌گوییم الارشاد احسان، این احسان نیکو شمرده می‌شود، البته با علم به اینکه این صادق است و واقعاً دارد احسان می‌کند؛ اینها را یقین داریم. اطاعت مرشد محسن و صادق واجب؛ عقل می‌گوید اطاعت واجب است؛ عقل می‌گوید یلزم علیک که ترتیب اثر بدهی، حالا می‌خواهی این کار را بکنی یا نکنی؛ عقل می‌گوید چنین آدمی دارد راه و چاه را به تو نشان می‌دهد، راه سعادت و هلاکت را به تو نشان می‌دهد، اینجا عقل می‌گوید یجب. عقل بدون تردید وجوب احسان را درک می‌کند؛ تردیدی در این نیست. بله، شما می‌توانید اشکال کنید و بگویید

وجوب الاطاعة آیا با ولایت به معنای سلطنت، تصرف و اینکه در ولایت اختیار من بدست شخص دیگری است فرق دارد؛ من چه علم به احسان او داشته باشم چه نداشته باشم، کسی که ولایت دارد دیگر این مقدمات را لازم نیست طی کند؛ ولایت یعنی او اختیار دارد هرگونه تصرفی و امر و نهی را داشته باشد، چه من بفهمم و چه نفهمم. ولایت بدین معنا از مرشد صادق استفاده نمی‌شود.

.... -

استاد: عقل انسان با برهان نظم پی به وجود خدا می‌برد، حالا شما می‌گویید کسانی که مسلمان نیستند، برهان نظم را می‌فهمند که چیست؟! این چه حرفی است! .... بالاخره شکر منعم و وجوب اطاعت خدا را ثابت نمی‌کند؟ .... الان بالاخره آیا مسأله وجوب شکر منعم یا وجوب تعظیم المنعم بر عدم ولایت حکومت دارد یا نه؟ .... شما با وجوب شکر منعم نمی‌توانید ولایت خدا را ثابت کنید؟ .... در مورد ولایت الحاکم چه نظری دارید؟ .... یعنی اصل تقدم آن را قبول دارید؟ ولایت الحاکم مقدم بر عدم الولاية است؟ ....

..... -

استاد: با این وصف شما می‌خواهید بگویید هر چهار اصل یا حکمی که اینجا بیان شده، حاکم بر آن هستند؟

.... -

استاد: تمام بحث ما ولایت تشریعی است .... پس شما حکومت را نفی می‌کنید .... یعنی این هم از عدم ولایت استثنا می‌شود؟ پس شما حکومت همه را نفی می‌کنید و می‌گویید هیچ کدام از اینها حاکم نیستند. .... من تشکر می‌کنم، مطالب مختلفی مطرح شد؛ ملاحظه فرمودید دیدگاه‌ها کاملاً متفاوت است. در جلسه آینده ان‌شاءالله جمع‌بندی این بحث را بیان خواهیم کرد. بعد خواهید دید چه آثار مهمی بر این دو دیدگاه مترتب می‌شود که ابعاد اجتماعی فراوانی دارد.

«والحمد لله رب العالمین»